

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۴ فروردین ۹۰

هفته‌ی یازدهم (توضیح درد دل‌ها)

۹ جمادی الاول ۱۴۳۲ (هفته‌ی دوم ماه جمادی الاول)

شکر نعمت‌های بی‌پایان پروردگار عالم را که بندگان خویش را محتاج وصلی نمود که با طنابِ نفسِ اماره از او جدا شد و با هدایتش، به دامنِ پر مهرش بازگشت تا رحمتِ بی‌منت‌هایش را در وجودش، سرفصل تمام نعمت‌ها کند.

به درد دل‌هایتان آگاه شدیم، آنچه در اندیشه‌تان به نام تفکر می‌شناسید، مانند انسانی تب آلوده است که به هذیان مبتلاست و به خاطرِ درجه‌ی حرارتِ بیش از اندازه، قادر به درکِ موقعیتِ خویش نمی‌باشد، حاضران در صحنه به او می‌نگرند و با دلسوزی ابراز می‌دارند که بیچاره هذیان می‌گوید.

درد دل‌های منعکس شده در سایت و یا مخفی در سینه‌ها، همگی از یک چشمه می‌جوشید و در راه، خود به انشعاباتی تقسیم می‌شد، همگی از درونی که در سن خودشان، شکایت از زمان می‌کردند و کوتاهی آن.

مثلاً یک دختر و یا پسر ۱۵ تا ۲۵ سال:

در درد دل‌هایشان از حرارتِ سنشان گله‌مند بودند که احساس، غلبه بر عقل دارد و آنان را در مسیرهای احساس و در جاده‌های غیر واقع قرار می‌دهد و به هر گونه که می‌خواهند در جاده‌ی هدایت باشند باز با طنابِ نفسِ اماره از آن جاده خارج می‌شوند. پس توجه داشته باشند، اگر گلی باشند که خارهایش مانع آسیب رسیدن به آن می‌شود و هرگاه نفس بخواهد آن را از ریشه جدا کند باید مراقب باشد که خارهایش انگشتش را مجروح نکند پس وجودی که عقل را نعمت خود می‌داند، چگونه تسلیم هر دستی است تا او را از شاخه‌ی وجودش جدا کند و مدتی زینتِ خانه‌ی او باشد و سپس به زباله‌دان انداخته شود و نامش فراموش گردد؟

پس باید حرارت نوجوانی را محکوم نکرد، آنچه محکوم است وجود ناتوانی است که قادر به نگهداری از قامتش نیست و وجودش در تند بادی نفسش از جاده‌ی هدایت بیرون می‌رود و سرنوشتی را رقم می‌زند که سایه‌ی رحمت الهی را به سایه بانی از توجیهاات نفس بدل نموده تا با حقیقتی بیگانه شود که جانش در کف قدرت اوست.

و درد دل‌های سنین ۲۵ تا ۴۰ سال:

این گروه طبق روشی که همیشه داشته، گردنش را به تیغ سرنوشت سپرده و سرنوشت یا گردنش را بسیار تمیز بریده و یا چاقو تیز نبوده و برش کله‌اش جالب در نیامده و عجباً از قضاوت‌هایی که قاضی‌اش بهانه‌های کودکانه است و خواب‌های آشفته که گاهی زود بیدار شده‌اند و گاهی بیدار شده و دوباره خوابیده‌اند. بهترین سال‌ها را یا مشغول اندوختن برای فردای خود بودند و یا اندوخته‌ها را به کار انداخته‌اند تا زندگی، بار خود را از دوششان بردارد، درحالی‌که پروردگار عالم به مردانی اشاره می‌فرماید که کار، آنان را از یاد خدا دور نمی‌کند و بانوانی که همواره در جهاد عمرشان ذخیره‌هایی وجود دارد که پایه‌گذار وعده‌های الهی است. کتاب آسمانی مردان و زنان را هم دوش اعلام می‌فرماید و آنان را، زنان صدقه دهنده و مردان صدقه دهنده نام می‌برد پس بهانه‌هایی که برای تباهی زمان عمرشان در درد دل‌هایشان منعکس نموده‌اند، نامش قضاوت است که یک قاضی ناتوان در حکمش، آن را منعکس می‌کند و شنوندگان، به قضاوتش می‌خندند و او را قاضی منصفی نمی‌دانند.

و درد دل‌های سنین بالای ۴۰ سال:

مانند بیمارانی بوده که در بیمارستان بستری هستند و منتظرند تا پزشک برای معاینه بیاید و آنان شروع کنند به توضیح بیماری‌شان، از دردهای کهنه بگویند درحالی‌که گوش برای شنیدنش رغبتی نشان نمی‌دهد، پزشک سکوت می‌کند و با نگاهی که معنای آن، سخنان بیهوده است به بیمار می‌فهماند که در اشتباه است و باید به بهبودی در حال حاضر بیندیشد تا راهی برایش توصیه گردد که نتیجه‌ی معالجه را بهتر کند. درد دل‌های بیماری‌های گذشته با داروهایی که همواره در نسخه‌ی بیماری‌شان توصیه شده، بهبود می‌یابد و آنان باید نگران بیماری‌ای باشند که به آن مبتلا می‌شوند

و علایمش را درک نمی‌کنند و به حساب تجربه‌ای که دارند با آن برخورد می‌کنند درحالی‌که هر بیماری، نیاز به داروی مخصوص به آن بیماری را دارد.

با توضیحاتی که برای بهتر بازگو کردن درد دل‌هایتان داده شد، سعی کنید واقعیت وجودتان را در حیطه‌ی نفس قرار ندهید و هرگاه خواست تا بفریبدتان، نقابش را بردارید تا چهره‌اش آشکار شود و آن چهره را در مقابل آینه قرار دهید تا خودش را ببیند و بگوید:

ای چهره‌ی فریبکار، دیگر نمی‌توانی باطنی را حق جلوه دهی درحالی‌که حق، همان است که پروردگار اعلام فرمود.

برای هفته‌ی آینده از علایق درونی‌تان که در مواقع تنهایی به آن می‌پردازید صحبت کنید. هر گروه سنی نسبت به درکش، به سؤال پاسخ دهد و علاقه‌ی ساعات تنهایی‌اش را ترسیم کند تا حقیقت احساس شناخته شود و معنای عشق مورد بحث قرار گیرد.

به امید قلبی که همواره از جراحات نفس اماره در امان باشد. منتظر پاسختان هستیم.

اللهم عجل لولیک الفرج